کاوه گلستان

کتاب «قلمکار» یکی از آثار به یادماندنی کاوه گلستان است. کتابی که گلستان، هم آن را نوشت و هم عکاسی کرد. او در این کتاب به هنر ایرانی و فراموش شده قلمکاری نگاه دوباره‌ای می‌اندازد. کاوه در این کتاب در سفری کوتاه مخاطبان نوجوانش را با پیشینه هنر قلمکاری اصفهان آشنا می‌کند و با عکس که به قول خودش «ثبت‌کننده دقیق‌تری است» آن‌ها را به کارگاه‌های قلمکاری می‌برد... این کتاب را حدود ۴۰ سال پیش کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرد.

بازیگرانی که در دو سریال همزمان بازی کرده‌اند

شوخی یا جدی؟ یک جای کار می‌لنگد

هر سال نزدیک ماه رمضان ماراتن کارگردانان و تهیه‌کنندگان برای ساخت سریال‌های مناسبتی در شبکه‌های مختلف شروع می‌شود. اکثر کارگردانان، تهیه‌کنندگان و حتی بازیگران با توجه به تجربه‌های سال‌های اخیر می‌دانند که ساخت سریال‌های مناسبتی معمولاً برایشان موفقیت خوبی به همراه می‌آورد. اما ماه رمضان امسال داستان کمی متفاوت است. به خاطر برگزاری بازی‌های جام جهانی و والیبال، انتظار می‌رود سریال‌های تلویزیون با استقبال همیشگی‌اش مواجه نشود اما با این حال رقابت اصلی بین دو سریال «هفت سنگ» و «مدینه» است که هر کدام با توجه به شاخصه‌های خاص خودشان پررنگ شدند. یکی به خاطر نام کارگردان (مدینه) و دیگری به دلیل حاشیه‌هایی که بعد از پخش برایش پیش آمد. اما نکته جالب‌تر در این است که هر دو سریال، دو بازیگر مشترک دارد. بازیگرانی که دو نقش متفاوت را از خودشان به نمایش گذاشته‌اند. یکی داستان و کاراکتری کاملاً کمدی دارد و دیگری یک درام جدی است. شبنم مقدمی و مهدی سلطانی در «هفت سنگ» نقش کاملاً کمدی دارند و در سریال «مدینه» تبدیل به دو آدم دیگر شده‌اند. درست است، یکی از اصل‌های بازیگری این است که باید هر نقشی را به بهترین شکل ممکن اجرا کنید. اما وجود دو نقش در دو سریالی که به فاصله چند ساعت پخش می‌شود، برقرار کردن ارتباط مورد نیاز را برای مخاطب سخت می‌کند. شنیده‌های ما حاکی از این است که شبنم مقدمی برای بازی در «مدینه» پیش شرطی مبنی بر پخش نشدن همزمان این سریال با «هفت سنگ» گذاشته بود. حالا که این اتفاق افتاد درصدد این برآمدیم که با خود او گپ کوتاهی بزنیم و از چند و چون ماجرا بپرسیم که متأسفانه تماس‌های ما به جایی نرسید. اما نکته مهمی که در این خصوص نباید نادیده گرفت بحث عدم دقت مدیران تلویزیون هم هست، به هر حال سریال «هفت سنگ» از ابتدا برای ماه رمضان ساخته نشده بود ولی زمانی که شبکه سه مجبور بود بین سریال آماده شده اش و سریال در حال تولید «شمعدانی» یکی را انتخاب کند قرعه به نام هفت سنگ افتاد و این تصمیم زمانی گرفته شد که سیروس مقدم مراحل پیش تولید مدینه را می گذراند و مدیر شبکه یک با علم به این موضوع که سریال مقدم برای ماه رمضان ساخته می شود و سریال هفت سنگ هم برای پخش در همین ماه ماه در نظر گرفته شده نباید با حضور دو بازیگری که با نقش های کاملا متفاوت از هم در این دو سریال دیده خواهند شد موافقت می کرد و به نظر باید بیشتر از همه اینجا ایراد را به مدیریت تلویزیون در زمینه هماهنگی های این گونه دانست! اما به هر حال تصمیم گرفتیم به این بهانه، گزارشی از بازیگرانی که در چند سال اخیر چند سریال به طور همزمان بازی کرده‌اند، تهیه کنیم.

نمونه‌ای به نام نیما شاهرخ شاهی

البته در گذشته به دلیل این که تعداد تولیدات تلویزیون کمتر بود، باکس‌های پخش سریال هفتگی بود و تعداد شبکه‌ها این اندازه نبودند از این دست اتفاق‌ها خیلی رخ نمی‌داد اما در سال‌های اخیر نمونه‌هایی از این دست خیلی زیادتر از گذشته شده که البته بیشتر در بین بازیگران فرعی رخ داده است و اگر بخواهیم همه این همزمانی‌ها را نام ببریم این گزارش خیلی طولانی‌تر از این می‌شود اما مهم‌ترین چهره‌ای که در این سال‌ها به این مسئله دچار شده بود کسی نیست جز نیما شاهرخ شاهی. دو سال پیش، سال خیلی خوبی برای نیما شاهرخ شاهی بوده! او یکی از بازیگرانی است که به طور همزمان سه سریال را روی آنتن برده بود! سه سریال، با سه قصه متفاوت. سریال «میلیاردر» از شبکه یک، «مرد نقره‌ای» از شبکه سه و «دختران حوا» از شبکه تهران. مخاطب بیچاره‌ای که در این میان دوست داشت هر سه سریال را دنبال کند، باید هر بار یک قلم و کاغذ کنارش می گذاشت و داستان‌های سریال را می‌نوشت و نقش‌های نیما شاهرخ شاهی را یادداشت می کرد تا نخ تسبیح سریال از دستش در نرود! و یادش بماند در سریال «مرد نقره‌ای» پسر سعید نیک‌پور بود و در سریال «میلیاردر» پسر شریفی نیا. در سریال «دختران حوا» هم نقش برادر شوهر یکتا ناصر را بازی می کرد. طبیعی است مخاطب با حجم فراوانی از نقش‌های متفاوت روبرو شود و همین نکته ساده به راحتی او را از بی‌برنامگی صدا و سیما دلزده می کند و در بهترین شرایط او را پای یکی از سریال‌ها می‌نشاند و در اینجا «دختران حوا» با اقبال بیشتری روبرو شد. سریالی که خیلی‌ها را بی‌خیال شبکه‌های ماهواره‌ای و سریال‌های ترک کرد و در عوض آن دو سریال، آنطور که انتظار می‌رفت، نتوانست مخاطبان را به سمت خود جلب کند.

بازیگران تکراری

«دختران حوا» یکی از سریال‌های پر ستاره‌ای بود که ستاره‌هایش در سریال‌های دیگر تکرار شدند. منظورمان این است که این سریال بازیگران مشترک زیادی با سریال‌های در حال پخش داشت و علاوه بر نیما شاهرخ شاهی، پوریا پورسرخ و امیرحسین رستمی هم با همین الگو به طور همزمان در سریال‌های «مرد نقره‌ای» و «یک تیکه زمین» بازی کردند. این نکته‌ای نیست که به سادگی بتوان از کنارش گذشت و این سؤال را به طور دائم در ذهن ما تکرار می کند که مگر می‌شود برنامه‌ریز سریال از پخش سریال‌ها به طور همزمان خبر نداشته باشد! البته به غیر از این پدیده همزمان در چند سریال بازی کردن، با پدیده دیگری هم روبه‌رو می‌شویم؛ پدیده بازیگران پر کار. سریال‌هایی که پشت سر هم با بازیگران ثابت از شبکه‌های مختلف پخش می‌شوند، مثلاً مهران رجبی که خودش یک زمانی می گفت تنها کانالی که در آن حضور ندارد کانال کولر است! یا همین آتیلا پسیانی، او در چهار ماه متوالی، سه سریال و سه نقش متفاوت را بازی کرد. در «راستش را بگو» یک مأمور امنیتی بود. در «یک تکه زمین» نقشی کاملاً متفاوت داشت و در نقش یک خلافکار ظاهر شد و دوباره در سریال «دیوار» با نقش پلیس روی آنتن برگشت. باید این سؤال ساده را پرسید: «چرا یک برنامه‌ریزی درست انجام نمی‌شود؟» یکی از مدیران رسانه ملی در گیر و دار پخش همین سریال‌ها، دو سال پیش گفته بود: «در تلویزیون بازیگر زیاد داریم اما بازیگر تأثیرگذار کم داریم. خیلی از نویسندگان، فیلمنامه را براساس بازیگر خاصی می‌نویسند، چون می‌دانند هر کسی نمی‌تواند از پس نقش برآید.» حالا می گوییم آتیلا پسیانی بازیگر توانا با ویژگی‌های مورد نظر است، اما آیا این دفاعیه در مورد بازیگرانی همچون امیرحسین رستمی، نیما شاهرخ شاهی و پوریا پورسرخ هم صدق می کنند؟

چهره‌های گمشده

اگر یک برنامه‌ریزی درست برای این کار در نظر گرفته می‌شد، به راحتی می‌توانستیم شاهد بازی بازیگران مختلف و دوست داشتنی از تلویزیون باشیم. اما به نظر می‌رسد که این برنامه‌ریزی‌ها با مشکل روبرو هستند و همچنان می‌بینیم که دو بازیگر اصلی در دو سریال به طور همزمان بازی می کنند و هیچ تمهیدی هم برای گیج شدن مخاطب ساده‌ای که دوست دارد آخر شبش را با دیدن سریال‌های وطنی بگذراند، در نظر گرفته نشده است. اینطور است که یکسری از بازیگران همیشه سر کار هستند، علی رغم بی‌استعدادیشان بازیگران محبوب تلویزیونی شناخته شده‌اند و در عوض آن‌هایی که باید تحسین شوند، گزیده‌کار هستند و ترجیح می‌دهند جزو چهره‌های گمشده باشند تا چهره‌های پرکار!

محمد مسلمی، در گفتگو با صبا اعلام کرد:

عمو فیتیله‌ای‌ها با خنده و گریه می‌آیند

این روزها عمو فیتیله‌ای‌ها بعد از تجربه کار در تلویزیون و سینما قصد دارند دوباره روی صحنه بروند و پاییز امسال دو تئاتر کودک را در تالار هنر روی صحنه ببرند. به همین بهانه گفتگویی با محمد مسلمی سرپرست گروه فیتیله‌ای در خصوص این تئاتر و آخرین فعالیت‌های این گروه محبوب انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

شروع فعالیت حرفه‌ای محمد مسلمی با اجرای تئاتر کودک و نوجوان کلید خورد و چیزی قریب به ۲۰ سال از عمر این فعالیت می‌گذرد؛ پس از آن، راه او و گروه فیتیله‌ای به تلویزیون باز شد و با اجرای تکه تئاترهای کوتاه تلویزیونی برای کودکان در برنامه «فیتیله، جمعه تعطیله» این روند، شکل منسجم‌تری به خود گرفت و حالا مسلمی دوباره قصد دارد تئاتر جدیدی را برای کودکان در تالار هنر روی صحنه ببرد. این بازگشت می‌تواند تا حدودی سؤال‌برانگیز باشد. نکته‌ای که مسلمی آن را خیلی جای سؤال نمی‌داند، فقط معتقد است شاید به این دلیل که کارهای تئاتری او در گروه‌های سیار و سالن‌های نمایشی مانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده، کمتر دیده شده است: «ما سال گذشته اجرای نمایش «لپ گلی» را در کانون داشتیم و همچنان به تئاتر وفاداریم. بچه‌ها نیاز دارند که حمایت شوند و به همین دلیل تلاش می کنیم تا مهرماه این کار جدید را داشته باشیم.» در اکثر کارهای مسلمی و گروه فیتیله‌ای مخاطب هدف علاوه بر کودکان، بزرگسالان هم هستند و شاید این یکی از اصلی‌ترین دلایل محبوبیت گروه فیتیله‌ای بین خانواده‌ها باشد. در «لپ گلی» هم قرار است دوباره کودکان به همراه خانواده‌شان کنار هم جمع شوند و روبه‌روی بازیگران قرار بگیرند. تجربه موفق اجرای اول «لپ گلی» در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان دلیل اصلی اجرای مجدد آن در تالار هنر است. او در خصوص داستان این نمایش هم می گوید: «قصه «لپ گلی» درباره پسربچه‌ای به همین نام است که بعد از به دنیا آمدن با مشکلاتی روبه‌رو می‌شود.» اما تئاتر دومی که قرار است عمو فیتیله‌ای‌ها روی صحنه ببرند «خنده و گریه» است، تئاتری که مثل «لپ گلی» نوشته خود مسلمی است اما جزئیات قصه‌اش به گفته او از این قرار است: «نمایش «خنده و گریه» درباره دو شخصیت به نام خنده و گریه است که خنده در ماجرایی فکر می کند که دیگر نمی‌تواند بخندد و گریه هم به دنبال حل مشکلات اوست. قرار است در لحظه لحظه این نمایش مخاطب جزو بازیگران و مشارکت‌دهندگان در تئاتر باشند و همه کمک کنند تا خنده پیدا شود.» مسئله مهم تئاتر کودک امروز ارتباط آن با دغدغه‌هایی است که ممکن است کودکان به طور روزانه با آن درگیر باشند و گاهی برخی تئاترها به علت رعایت نکردن این مؤلفه از کانون توجه نسل جدید و سختگیر امروز دور شوند. محمد مسلمی به عنوان هنرمندی که این دغدغه‌ها را دنبال می کند، دغدغه کودک امروز را کم تحرکی می‌داند و معتقد است باید تحرک و خلاقیت به بچه‌ها بازگردانده شود: «بچه‌های امروز باید خلاق باشند و در کارها مشارکت داشته باشند. به نظرم محتوا در چنین مواقعی چندان اهمیت ندارد. می‌خواهیم در تئاتر «خنده و گریه» بچه‌ها را وادار به تفکر و واکنش کنیم تا کمبودهای بچه‌ها برای رفتار اجتماعی صحیح و خجالت نکشیدن حل شود و در کنار خانواده‌ها با ما همراه باشند.» عمو فیتیله‌ای‌ها در سال‌هایی که برنامه‌های تلویزیونی خود را اجرا کرده‌اند نشان دادند که همیشه دوست دارند از مشارکت بچه‌ها و خانواده‌ها استفاده کنند و در این تئاتر هم قصد دارند بر مبنای همین مشارکت پیش بروند تا تماشاچی هنگام ورود به سالن تا پایان با آن همراه باشد.

سرک کشیدن به دیگر کارهای عمو فیتیله‌ای‌ها

اما طی این سال‌ها همیشه محمد مسلمی و گروه فیتیله‌ای روزهای جمعه مهمان مردم بوده و هستند و مخاطب به این حضور عادت کرده است اما ظاهراً قرار است پنجشنبه‌ها هم بر و بچه‌های عمو فیتیله‌ای برنامه اجرا کنند، برنامه‌ای که قرار است با نگاه جدیدی روی آنتن برود و طی یکی دو ماه آینده این تغییرات کاملاً مشخص خواهد شد. اما این تغییرات شامل چه چیزهایی می‌شود؟ مسلمی در این‌باره پاسخ می‌دهد: «از جمله بخش‌های جدید عمو فیتیله‌ای‌ها آیتم‌های «قصه»، «تنها در خانه» به این معنا که وقتی بچه‌ها در خانه تنها هستند چه کارهایی باید انجام دهند، «پانتومیم» و «سرآشپزی» که درباره تغذیه صحیح به بچه‌ها توصیه‌هایی می کند، «نی نی فیتیله‌ای»، «آقای بانمک» و «شعرهای جدید» هستند.» مسلمی و دو تا عموی دیگر مدتی است برای برقراری ارتباط بهتر با کودکان دیگر شهرها، سفرهایی را به نقاط مختلف کشور تدارک دیده‌اند که در این سفرها علاوه بر اجرای برنامه، اقدامات خیرخواهانه هم انجام می‌دهند. به گفته مسلمی کماکان این سفرها به صورت هفتگی ادامه دارد تا بچه‌های شهرستان بتوانند با عموهایشان از نزدیک سلام و علیکی داشته باشند. اما این گروه همیشه شاد یک تجربه ناموفق سینمایی با «فیتیله و ماه پیشونی» داشتند و با وجود این که در بهترین زمان ممکن اکران شد اما فروش خوبی نداشت با این حال عمو فیتیله‌ای‌ها نمی‌خواهند بی‌خیال سینما شوند: «اولاً ما فیلمنامه دیگری را برای ساخت اولین فیلم سینمایی خودمان آماده کرده بودیم اما به دلیل این که گفتند امکان تولید آن وجود ندارد، فیتیله و ماه پیشونی ساخته شد اما قرار نیست به خاطر آن تجربه، دیگر در سینما نباشیم حتماً به فکر این هستیم که یک کار جدید را دوباره روی پرده سینما ببریم و منتظریم مقداری کارها به جریان بیافتد.» در تلویزیون به ندرت اتفاق می‌افتد که چند نفر طی سالیان طولانی کنار یکدیگر باشند و همچنان رابطه خود را حفظ کنند و این اتفاق درباره گروه فیتیله‌ای‌ها افتاده است و مسلمی هم در درجه اول معتقد است عمو فیتیله‌ای‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که برای موفقیت باید مثل یک تیم فوتبال کنار یکدیگر قرار بگیرند. او می گوید: «با توجه به استعدادها و شناختی که از هم داریم کنار یکدیگر قرار گرفتیم و شادی خانواده‌ها اولویت هر سه ماست و به این فکر نمی کنیم که اگر تنها باشیم سود بیشتری عایدمان می‌شود.»

نظرسنجی از هنرمندان

هنرمندان چقدر توانسته‌اند چهره درست و واقعی از معضلات جامعه را به نمایش بگذارند؟

نقد اجتماع به مفهوم نمایش نقاط ضعف و قوت یک طرح و نشان دادن راهی برای موفقیت در همان راستاست. هنرمندان هم باید با همین لحن به مشکلات جامعه بپردازند و با نقد اجتماعی آگاهانه مسائل را مطرح کنند. در این میان نباید برخی از فیلم‌ها و سریال‌های اجتماعی که به سراغ مشکلات و معضلات جامعه می‌روند، با طرح این مشکلات رنگ تحقیر، ضعف و عدم خودباوری را به مخاطب القا کنند. برنامه‌سازان باید با ترسیم نقاط مثبت و منفی در کنار هم با بیانی واقعی و منصفانه معضلات جامعه را نقد کنند. این هفته سراغ هنرمندان رفته و از آن‌ها پرسیده‌ایم که چقدر توانسته‌اند چهره درست و واقعی از معضلات جامعه را به‌نمایش بگذارند؟

مسعود آب پرور (کارگردان):

تعداد و درصد بالای تولیدات تصویری در سینما و تلویزیون اختصاص به موضوعات اجتماعی دارد اما چه اندازه تصویر واقعی و درستی از معضلات اجتماع را به نمایش درآوردیم، جای بحث دارد. این تصویر درست گاهی استنادی و مستند در کوچه، خیابان، سطح شهر و خانواده است که ۹۰ درصد آثار این گونه است. اما این که بتوانیم تصویر درستی که انتظار می‌رود را تولید کنیم که باعث ارتقای فرهنگ اجتماع شود متأسفانه این اتفاق نیافتاده است. بیشتر معضلات ما به امور فرهنگی و بی‌توجهی به مسائل فرهنگی مربوط می‌شود. ما دچار بحران شدید فرهنگی هستیم و در این سال‌ها غفلت کردیم، بحرانی که باعث شد رهبری، امسال را سال فرهنگ نامگذاری کنند. بخش اعظم این بحران به دلیل عدم مدیریت و عدم برنامه‌ریزی صحیح فرهنگی است. ما نتوانستیم تصویر آرمانی از جامعه داشته باشیم و به سمت آن جامعه آرمانی حرکت کنیم.

علی لدنی (تهیه‌کننده):

فکر نمی‌کنم در مجموعه‌های تلویزیونی در مورد نمایش چهره واقعی معضلات جامعه موفق عمل کرده باشیم. در طرح و بیان معضلات در ساختار سناریو، کارگردانی و ساخت آن غلو شده است. آنچه در جامعه اتفاق می‌افتد اینقدر پیچیده نیست و مجموعه‌های تلویزیونی واقعیت را نشان نمی‌دهند. آن شخصیتی که در داستان بیان می‌شود ما به ازایی در جامعه ندارد و همه چیز غلو شده است. هنرمندان نتوانستند بر اساس واقعیت، معضلات را بیان کنند. طرح مشکلات جامعه، افراط و تفریط است و من این گونه سناریو و ریتم کار را نمی‌پسندم و فیلمسازان در طرح و بیان معضلات جامعه موفق نبوده‌اند. در مواردی این مجموعه‌ها می‌خواهند این موضوعات پیچیده و ادامه‌دار باشد.

پیمان عباسی (فیلمنامه‌نویس):

سؤال مهم‌تر این است که تا چه اندازه این اجازه به هنرمندان داده شده است؟ یکی از دغدغه‌های نویسندگان و هنرمندان این موضوع است به دلیل این که صدای اعتراض بلند نیست، دغدغه اصلی همه هنرمندان این است که دست ما برای ابعاد مختلف بسته است، به طور مثال در طنز ما نمی‌توانیم خیلی از مسائل را مطرح کنیم و فاکتورهای ممنوع داریم. نویسندگان ایرانی نسبت به نویسندگان دنیا محدودتر هستند و تنها می‌توانند به معضلات جامعه بپردازند. اما در مورد پرداختن به معضلات جامعه به خصوص در تلویزیون هم مشکل داریم و باید خیلی نرم از کنار مسائل رد شویم و در غیر این صورت به نگاه و روایت دوستان سیاه‌نمایی یا بدآموزی تلقی می‌شود. این موضوع باعث می‌شود کارها آنطور که باید تأثیرگذار نباشد. تلاش‌های زیادی صورت گرفته است اما آنطور که باید این نقد صورت نپذیرفته است و در نمایش درست معضلات جامعه نتوانستیم موفق باشیم.

مهرانه مهین ترابی (بازیگر):

هنرمندان و فیلمسازان تا حدی که اجازه داشتند تلاش کردند با توجه به ممیزی که وجود دارد چهره درستی از معضلات جامعه را به نمایش بگذارند. اما متأسفانه ما در بیان و طرح مشکلات جامعه لاپوشانی می کنیم. ما به صورت فردی و گروهی یاد گرفتیم با حقیقت روبه‌رو نشویم. در کارهای هنری و نمایشی با وجود خط قرمزها مطمئناً نتوانسته‌ایم خیلی از معضلات جامعه را مطرح کنیم.

سعید سلطانی (کارگردان):

مهم‌ترین شاخص شروع مجموعه‌های تلویزیونی، پیام، محتوا و مضمون کارهاست و هر اثر باید صاحب پیام باشد. مطمئناً در ساخت فیلم وجود و پرداختن به مسائل و معضلات اجتماعی مطرح می‌شود و راجع به آن بحث می‌شود. نگاه اجتماعی و نقد مسائل اجتماعی جزو بدیهیات یک رسانه ملی است.

شماره پیامک ۲۰۰۰۸۰۸۰۸۰۲

شما هم به این سوال پاسخ دهید: هنرمندان چقدر توانسته‌اند چهره درست و واقعی از معضلات جامعه را به نمایش بگذارند؟ گزینه مورد نظرتان را به شماره ۲۰۰۰۸۰۸۰۸۰۲ پیامک بزنید.

چهره‌ها گفتند

محمدرضا فروتن: ۶ ماه است جلوی دوربین نرفته‌ام

من پس از نقش آفرینی در «سایه روشن» آقای موتمن، دیگر در هیچ کاری مقابل دوربین نرفتم و اکنون ۶ ماه است که بازی نمی‌کنم. دلیل این کار هم آن است که من هم اکنون به شدت درگیر کارهای پایان‌نامه‌ام هستم و ترجیح دادم تمام حواس خودم را بر روی پایان نامه‌ام بگذارم. برای مقطع کارشناسی ارشد، همان رشته لیسانس خودم یعنی روان‌شناسی را دنبال کردم که خیلی آن را دوست دارم. فیلم «تجریش ناتمام» را خیلی دوست دارم چون احساس می‌کنم یک عاشقانه سالم از آن بیرون آمده و این همان چیزی است که من به شدت به آن علاقه‌مندم. (تسنیم)

شهرام عبدلی: کار خوب برای تلویزیون مثل گدایی شب جمعه است

بالاخره بعد از سال‌ها، سریال خوب کار کردن و با مردم در ارتباط بودن، مثل گدایی کردن در شب جمعه می‌ماند. کلیت کار در سریال «فاخته» خوب است و فکر می‌کنم مردم با این سریال ارتباط برقرار کنند؛ چرا که بعد از سال‌ها فعالیت در عرصه سریال‌سازی، با داستان‌ها کاملاً آشنا هستیم و می‌دانیم مردم چه مدل قصه‌هایی را دوست دارند و با آن‌ها ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. از سویی هم ما هر داستانی را نمی‌توانیم برای بیننده بسازیم به دلیل این که انتظارها بالا رفته است و قطعاً باید یک کار خوب برایشان آماده کرد. (ایسنا)

کمند امیرسلیمانی: در زندگی شخصی‌ام ملودرام نیستم

در واقع باید بگویم که من در زندگی شخصی‌ام ملودرام نیستم اما از آنجا که انگار در این نوع از نقش‌ها پذیرفته شده‌ام و مردم نیز دوست دارند، در این سریال هم بار دیگر نقش زنی مهربان و غمخوار را دارم. البته باید بگویم که نقشم در سریال «فاخته» را خیلی دوست دارم به خصوص این‌که این زن از یک جایی به بعد درگیری روحی و عاطفی پیدا می‌کند. چون الان در تلویزیون نقش‌هایی که بازیگر باید روی آن فکر کند و بیشتر برای آن وقت بگذارد کمتر پیدا می‌شود. (نسیم)

مهدی پاکدل: گاهی فراموش می کنیم ممکن است هنرمند هم اشتباه کند

به طور طبیعی کسی مخالف جنبه نظارت دلسوزانه مردم نیست و آن را حق طبیعی جامعه می‌داند اما به نظر می‌رسد گاهی فراموش می‌کنیم که هنرمند هم مانند خود مردم ممکن است اشتباهی داشته باشد و در این مواقع است که تذکرها جنبه دوستانه پیدا نمی‌کند. در حالی که به مانند هر رابطه انسانی می‌توان با بیان دوستانه انتظار تغییر رفتار از سمت مقابل را داشت. با موضع‌گیری‌هایی که جنبه استهزا و تخریب دارد و عموماً با پرخاشگری همراه است نمی‌توان انتظار اصلاح و تعدیل داشت. (ایران)